



درس فارج اصول استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

موضوع کلی: اوامر

تاریخ: ۳/آبان/۱۳۹۵

موضوع جزئی: مقدمه واجب - مباحث مقدماتی

مصادف با: ۲۲ محرم ۱۴۳۸

مقدمه چهارم - تقسیمات مقدمه (۱. مقدمات داخلی و خارجی -

جهت دوم - کلام امام در ورود مقدمات داخلی در محل نزاع)

جلسه: ۱۳

سال هشتم

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

خلاصه جلسه گذشته

مطابق مبنای مشهور که مختار ما نیز موافق با ایشان است، اگر ملازمه مورد بحث در مقدمه واجب را، بین وجوب شرعی ذی المقدمه و وجوب شرعی مقدمه قرار دهیم، به واسطه دو اشکالی که محقق خراسانی بیان کردند قطعاً باید قائل شویم که مقدمات داخلی از محل نزاع خارج می باشند. به عبارت دیگر نمی توانیم بحث از تعلق امر مرکب به اجزاء مرکب نماییم و بگوییم آیا اجزاء مرکب نیز وجوب گیری پیدا می کنند یا خیر؟

محقق خراسانی فرمودند: تعلق امر به اجزاء هم از ناحیه مقتضی و هم از ناحیه مانع دارای اشکال است که به تفصیل اشکالات محقق خراسانی و جواب هایی که هم خود ایشان و هم شاگردان ایشان به این مسئله دادند را به تفصیل بیان و مورد بررسی قرار دادیم و با توجه به مطالبی که بیان شد مقدمات داخلی از محل نزاع در بحث مقدمه واجب خارج شدند و معلوم گردید که این بحث تنها مربوط به مقدمات خارجی می باشد.

کلام امام خمینی (ره) در ورود مقدمات داخلی در محل نزاع

ایشان برخلاف مشهور معتقدند مقدمات داخلی داخل در محل نزاع می باشند. قبل از اینکه سخن و دلیل امام خمینی (ره) توضیح داده شود نکته ای از باب یاد آوری خدمت شما تقدیم می کنم، به عقیده امام خمینی (ره) با اینکه بحث مقدمه واجب، در واقع بحث در مورد یک ملازمه و یک مسئله عقلی است؛ ولی به نظر ایشان طرفین ملازمه دو وجوب نیستند؛ بلکه طرفین ملازمه عبارتند از دو اراده. یعنی امام خمینی (ره) معتقدند نزاع در مقدمه واجب در این است که آیا از اراده مولا که متعلق به ذی المقدمه شده اراده به مقدمه نیز لازم می آید یا خیر؟ به عبارت دیگر تفاوت سخن امام خمینی (ره) با قول مشهور در این است که ایشان طرفین ملازمه را دو اراده می دانند، اما مشهور طرفین ملازمه را دو وجوب و دو بعث می دانند. اراده، مرحله ای قبل از بعث و وجوب است. طبق نظر مشهور بحث در این است که: آیا از وجوب نفسی نماز، وجوب گیری رکوع و سجود قابل کشف می باشد یا خیر؟ اما طبق نظر امام خمینی (ره) نزاع در این است که: آیا از اراده شارع به نماز، یک اراده گیری به رکوع و سجود قابل استکشاف می باشد یا خیر؟ بر این اساس امام خمینی (ره) معتقدند، مقدمات داخلی بالمعنی الاخص همانند مقدمات خارجی داخل در محل نزاع می باشند. ایشان ابتدا مسئله اراده نفسی و اراده گیری را در مورد اراده فاعل یعنی شخصی که خودش قصد انجام کار را دارد مطرح

می کند و سپس نتیجه را بر اراده آمر منطبق می سازد. زیرا همانطور که مشخص است ما نحن فیه در مورد اراده شخص آمر است که ممکن است این اراده، اراده شارع مقدس باشد یا موالی عرفی. اما همانطور که بیان شد به جهت روشن شدن مطلب، امام خمینی (ره) ابتدا بحث را در مورد فاعل یعنی شخصی که خودش قصد انجام کاری دارد مطرح و سپس به سراغ اراده آمر می روند.

تحلیل مطلب بر اساس اراده فاعل

فرض کنید شخصی قصد ساختن مسجدی را دارد (البته این مثال مربوط به مرکبات صناعی است و بعدا این مسئله را در مرکبات اعتباری نیز مطرح خواهیم کرد. به عبارت دیگر ابتدا از اراده فاعل در مرکبات غیر حقیقی صناعی سخن می گوئیم سپس بر همین وزن بحث را در مرکبات غیر حقیقی اعتباری مطرح می کنیم. مرکبات غیر حقیقی صناعی مثل مسجد از اجزایی مثل در، آجر و همه آن چیزی که باعث شده یک شیء عنوان مسجد پیدا کند تشکیل شده است اما مرکبات حقیقی فقط شامل جنس، فصل، در ماهیات و ماده صورت، در وجودات خارجی می باشند) وی ابتدا اراده اش متعلق به ساختن مسجد می گردد اما این اراده به دنبال یک مبادی، تحقق پیدا می کند. به بیان دیگر انسان ابتدا چیزی را تصور می کند و بعد فایده آن را تصدیق می کند سپس شوق و میل نسبت به آن فائده در او پیدا می شود که این شوق آکید تبدیل به اراده می گردد؛ البته این مراحل به سرعت در ذهن انسان اتفاق می افتد. مانند زمانی که انسان در خیابان مشغول قدم زدن است و ناگهان قصد خوردن غذایی می کند. یعنی ابتدا اراده خوردن غذا را می کند و سپس فعل غذا خوردن را انجام می دهد. ولی مبادی این اراده به سرعت در ذهن شخص تحقق پیدا می کند و منجر به اراده و اراده سبب تحریک عضلات او می شود. پس اراده هنگامی که به یک مرکب تعلق می گیرد مبتنی بر مبادی است که بیان شد. این مبادی عبارتند از تصور فائده و تصدیق به فائده و شوق و میل به تحقق مراد و نهایتا بعد از تحقق اراده موجب تحریک عضلات انسان به سمت مراد می شود.

اراده اولی که به ساختن مسجد یا مدرسه در نفس انسان شکل می گیرد یک اراده نفسی است لذا شخص هیچ توجهی به اجزاء مرکب ندارد. یعنی نه به آهن و نه به سیمان نه به هیچ کدام از اجزاء تشکیل دهنده مسجد یا مدرسه فکر نمی کند بلکه فقط و فقط اراده ساختن مسجد در نفس او شکل می گیرد. گاهی بین اراده و مراد خیلی فاصله می شود و گاهی هم اراده خیلی سریع منجر به فعل می شود. سپس هنگامی که شخص شروع به محقق کردن مراد می کند متوجه می شود که اراده نفسی او نیاز به یک سری از مقدمات دارد و تا آن مقدمات انجام نشود غرض اصلی و اراده نفسی او تحقق پیدا نمی کند. لذا به این نتیجه می رسد که برای ساختن مسجد و مدرسه به زمین، آجر، سیمان و... نیاز دارد. لذا اراده‌هایی به تک تک این اجزاء تعلق می گیرد که به این اراده‌ها، اراده‌های غیری می گویند. اراده غیری اراده‌ای است که ناشی از اراده ساختن مسجد است و اگر شخص اراده می کند که آجر تهیه کند به این جهت است که قصد ساختن مسجد را دارد. این اراده‌ها یعنی اراده نسبت به اجزاء مرکب غیر حقیقی و صناعی و اراده ساختن مسجد هر کدام مستقل هستند. یعنی اراده نفسی یک مراد دارد و اراده غیری مراد دیگر. نمی توانیم بگوئیم اینجا یک اراده است ولی مرادات متعدد است. نمی توانیم بگوئیم در ما نحن فیه یک اراده بیشتر نیست که عبارت است از اراده به ساختن مسجد ولی مراد آن اراده چند چیز است. این محال است، هر اراده‌ای متعلق به یک مراد است و هر اراده‌ای مراد خاص خود را می خواهد. اصلا تعین اراده و تشخیص اراده به مراد است. لذا کسی نمی تواند بگوید یک اراده در من شکل می گیرد و این اراده چند مراد را در بر میگیرد، این

خلاف وجدان و برهان است. اراده‌ای که متعلق به مراد یعنی مسجد و مدرسه شده است مسلماً متفاوت با اراده‌ای است که به خرید مصالح و سیمان و آجر و امثال آن‌ها متعلق شده است.

پس ما دو اراده داریم؛ اراده اول یک اراده نفسی است و استقلالاً و راساً به خود مسجد و به ساختنش تعلق گرفته. اراده دوم، اراده‌هایی غیریه هستند که به اجزاء این مرکب صناعی تعلق گرفته‌اند. و اگر از شخص فاعل سوال کنند که آیا شما خودت به این سیمان، آهن و دیوار اراده‌ای مبتنی بر یک اشتیاق داری؟ می‌گوید: خیر این‌ها به تنهایی برای من مهم نیستند بلکه به این خاطر برای من مهم هستند که اجزاء تشکیل دهند مدرسه یا مسجد هستند.

پس اراده اول اراده نفسی و اراده متعلق به مقدمات مراد اراده نفسی، اراده غیریه نامیده می‌شود.

با توجه به مطالب بیان شده مشخص می‌شود که بین این دو اراده تغایر می‌باشد؛ زیرا یک اراده متعلق به خود مرکب است که اراده نفسی نامیده می‌شود و یک اراده متعلق به اجزاء مرکب است که اراده غیریه نامیده می‌شود و این دو اراده مستقل از هم لحاظ می‌گردند.

تحلیل بحث بر اساس اراده آمر

همان‌طور که بیان شد تا به حال آن چه گفته شد از باب تقریب به ذهن در مرکبات صناعی پیرامون اراده فاعل بود حال مطالبی که در مرکبات غیر حقیقی صناعی بیان کردیم را به عینه منطبق بر اراده آمر می‌نماییم.

فرض کنید مولایی به عبدش دستور می‌دهد «ابن مسجد» و قصد دارد با امر به عبدش این مسجد ساخته شود. در اینصورت اراده آمر تعلق به ساختن مسجد گرفته که یک اراده نفسی است ولی این مبتنی بر یکسری مقدمات نیز می‌باشد. یعنی شخصی که به ساختن مسجد دستور می‌دهد و اراده می‌کند که عبدش این مسجد را بسازد، یک اراده‌ای هم به خرید زمین و تهیه مصالح و امثال اینها در نفس او شکل می‌گیرد. ولی آیا این اراده یک اراده غیریه است؟ اگر دو اراده داشته باشیم اینجا اجتماع مثلین پیش می‌آید و «اجتماع الحکمین المتماثلین علی شی واحد محال».

اما اگر دو اراده به دو شیء متعلق شوند دیگر محذور فوق پیش نمی‌آید. اجتماع مثلین وقتی است که دو اراده به موضوع واحد متعلق شوند در حالیکه در ما نحن فیه متعلق اراده نفسی مسجد و مدرسه و مرکب است و متعلق اراده غیریه اجزاء آن‌ها مثل آجر و سیمان در و پنجره و... است؛ لذا به هیچ عنوان اجتماع مثلین پیش نمی‌آید.

تطبیق بحث در مرکبات اعتباری

حال از آنجا که موضوع بحث ما مرکبات اعتباری است بحث را در مرکبات اعتباری ادامه می‌دهیم. فرض کنید معتبری مثل شارع دستور می‌دهد «اقیموا الصلوة» که یک مرکب اعتباری و دارای اجزایی است. در این مثال یک اراده‌ای از طرف شارع تعلق به بعث به نماز گرفته یعنی شارع اراده می‌کند دیگران را تحریک کند به خواندن نماز، البته همانطور که مشخص است اراده به خود نماز تعلق نمی‌گیرد زیرا نماز یک چیز کلی است و مردم تکویناً نماز نمی‌خوانند بلکه شارع قصد دارد مردم را تحریک به نماز کند. لذا اراده شارع تعلق می‌گیرد به امر، بعث و تحریک به سوی نماز، لذا می‌فرماید: «اقیموا الصلوة» این اراده شارع که به نماز تعلق گرفته است یک اراده نفسی است.

اما شارع یک اراده‌ای هم دارد که به اجزاء این مرکب تعلق می‌گیرد. یعنی وقتی شارع تحریک مردم به سمت نماز را اراده می‌کند در واقع یک اراده‌ای هم به سمت اجزاء این نماز مثل رکوع، سجود، قرائت و... دارد که به آن اراده غیر می‌گویند. پس در ما نحن فیه دو اراده وجود دارد؛ یک اراده، اراده نفسی به بعث به مرکب مثل نماز و یک اراده به بعث به اجزاء مرکب مثل رکوع و سجود و قرائت. و این مستلزم محذور اجتماع نیست.

با توجه به این مطالب هیچ اشکالی ندارد که ما جزء را داخل در محل نزاع کنیم. (البته همانطور که کرارا اشاره شد ایشان قصد ندارند بگویند آیا اراده‌ای هست یا نیست؟ ایشان نمی‌گویند یک اراده غیر می‌باشد به این اجزاء هم متعلق شده است. بلکه می‌فرمایند این احتمال هست و می‌شود روی آن بحث کرد و گفت آیا از اراده به ذی المقدمه یک اراده غیر می‌باشد به مقدمات داخلیه کشف می‌شود یا نه؟ لذا امام خمینی (ره) معتقدند مقدمات داخلیه در محل نزاع داخل می‌باشند) به تعبیر دیگر نزاع هم شامل مقدمات داخلیه می‌شود هم شامل مقدمات خارجیه.^۱

توجه: بعضی از بزرگان و شاگردان امام خمینی (ره) ادعا می‌کنند این بیان نه تنها بر مبنای امام خمینی (ره) بلکه بر مبنای مشهور نیز قابل جریان است. یعنی حتی اگر طرفین ملازمه را وجوبین قرار دهیم باز هم متعلق آن‌ها متفاوت است. یعنی متعلق وجوب غیر می‌باشد با متعلق وجوب نفسی دو چیز است و «اجتماع مثلین علی موضوع واحد» پیش نمی‌آید. زیرا اساسا وجوب نفسی به مرکب متعلق شده و بعث به مرکب به این نماز متعلق شده و به سبب بعث و تحریک به مرکب یعنی نماز بعثی هم به اجزاء صورت گرفته است که به آن بعث غیر می‌گویند. البته این حرف به این معنا نیست که این بعث متولد از آن مرکب شده باشد بلکه وجود این بعث به خاطر آن است که آن مرکب متولد شود. قهرا بعث به کل و مرکب بعث به اجزاء هم هست.

یعنی شارع با امر «اقیموا الصلوة» اراده کرده مکلفین را تحریک کند به خواندن نماز، لذا یک وجوب نفسی به نماز تعلق گرفته است. حال اگر فرض کنیم یک وجوب غیر نسبت به اجزاء یعنی رکوع و سجود وجود دارد مشکلی پیش نمی‌آید. البته به اعتبار مرکب یک وجوب غیر پیدا می‌شود. پس اینجا متعلق وجوب دو چیز است. متعلق وجوب نفسی نماز است و متعلق وجوب غیر جزئی است لذا اجتماع مثلین پیش نمی‌آید.

بررسی کلام امام خمینی (ره)

به گمان ما این فرمایش امام خمینی (ره) تمام نیست. اینکه اساسا اشکالی که محقق خراسانی مطرح نمودند و دیگران نیز مثل محقق عراقی و محقق نایینی و محقق خوبی به آن پرداختند، این است که جزء عین کل است و بین آن‌ها اصلا دوئیتی نیست. اگر جزئی را عین کل بدانیم، وقتی اراده نفسی متعلق به کل و مرکب می‌شود، همان اراده نفسی به جزء نیز متعلق می‌شود. لذا اگر بدنبال این باشیم که آیا یک اراده غیر نیز به جزء متعلق شده یا نه؟ معنایش این است که بدنبال این هستیم که آیا می‌شود دو اراده بر موضوع واحد اجتماع پیدا کنند یا نه؟ و این همان اجتماع مثلین است.

به عبارت دیگر می‌گوییم اراده نفسی متعلق به کل شده، این اراده مرادی به نام نماز دارد. حال سوال می‌کنیم که حقیقتا مراد ما از نماز چیست؟ آیا چیزی جز اجزاء نماز مثل رکوع و سجود و قرائت است؟

^۱ معتمد الاصول ج ۱ ص ۲۳ و ۲۴ مناهج الوصول ج ۱ ص ۳۲۹ تا ۳۳۵ تهذیب الاصول ص ۲۰۳ تا ۲۰۸

به عبارت دیگر اراده نفسی شارع تعلق به نماز گرفته که این نماز یک چیز کلی خارجی جدا از اجزاء خودش نیست. لذا اراده شارع تعلق به کل گرفته و مرادش این است که کل با همه اجزایش در کنار هم تحقق پیدا کند. پس اگر اراده تعلق به این کل گرفته باشد در حقیقت هر جزء آن متعلق آن اراده نفسی نیز هست.

این مطلب را حتی این طور می‌شود بیان کرد که اراده متعلق به نماز یعنی اراده متعلق به اجزاء. زیرا این اجزاء وقتی کنار هم باشند مراد شارع محسوب می‌شوند و مراد شارع این است که این اجزاء همه در کنار هم و با هم اتیان شوند.

لذا حتی اگر ما این نظر امام را بر اساس مبنای خودشان یعنی ملازمه بین الارادتين بپذیریم، طبق مبنای مشهور که ملازمه بین وجوبین است، قابل پذیرش نیست و به نظر می‌رسد این فرمایش امام جای تامل دارد.

«والحمد لله رب العالمين»